



گفتگوی با یکی

از اعضای شورای عالی فیلم

- شورای عالی فیلم به چه منظور  
تشکیل شده و چه میگوید؟

آذر احمدیه - در وزارت فرهنگ و هنر دو کمیسیون از نمایندگان  
وزارت فرهنگ و هنر، وزارت اطلاعات و شهربانی کل کشور وجود دارد  
که اعضای آن تمام فیلم‌هایی را که روی اکران می‌آید، می‌بینند و برای  
آنها پروانه نمایش صادر می‌کنند. بعضی از فیلم‌ها در همین کمیسیون‌ها  
سانسور می‌شوند و گاه غیر قابل نمایش تشخیص داده می‌شود. علت رد  
این فیلم‌ها معمولاً از نظر سیاسی، اخلاقی، بدآموزی، ابتذال و غیره  
است. . . در این گونه موارد صاحب فیلم اعتراض می‌کند. چون این  
باعث ضرر او می‌شود و در این موقعیت اداره کل امور سینمایی فیلم را  
به شورای هنرهای نمایشی می‌فرستند.

این فیلم‌ها که به دلایل مختلف رد شده‌اند به وسیله این شورا مجدداً  
بازدید می‌شوند و درباره آنها دوباره تصمیم گرفته می‌شود.

شورای عالی فیلم از افراد باصلاحیت و مطلع به امور سینمایی و دیگر  
صاحب نظران تشکیل شده است. فیلم‌هایی که به این شوری فرستاده می‌شود  
با دقت و موشکافی خاص مورد بازدید قرار می‌گیرد، درحالی‌که دین  
بعضی از این فیلم‌ها برای اعضای شورا درحقیقت شکنجه‌ای بیش نیست،

به‌ویژه فیلم‌های مبتذل و خشونت‌آمیز. باینهمه، اعضاء شورای هنرهای نمایشی شکیبایی بسیار برای دیدن این فیلم‌ها از خود نشان می‌دهند. همانطور که گفته شد درشوری، فیلم‌ها به‌طور کامل دیده می‌شود و بعد رأی‌گیری می‌کنیم و معمولاً این رأی‌گیری با بحث و گفتگو همراه است و نظرات موافق و یا مخالف همیشه با ذکر دلیل بیان می‌شود و چه بسا که بعد از بحث و تجزیه و تحلیل، نظرها تغییر می‌یابد. گاه فیلمی با سانسورهای کوتاه و تغییرات جزئی قابل نمایش اعلام می‌شود و گاه فیلمی تحت هیچ عنوان نمی‌تواند قابل نمایش باشد. در سال‌های گذشته وقتی فیلمی رد می‌شد، تا دو سال قابل نمایش نبود، ولی امروز این زمان به ۶ ماه تقلیل پیدا کرده است. شاید این به‌خاطر فیلم‌های ایرانی است که در این مدت ۶ ماه، تابا بازیگران فیلم و وسایل در دسترس فیلمساز است بتوانند تغییراتی چه از نظر خود فیلم و چه از نظر دیالوگ (گفتگو) بدهند.

آذر احمدیه - فیلم‌هایی ممکن است امروز به‌دلایل سیاسی رد شود، ولی شاید مدتی بعد این دلیل وجود نداشته باشد و یاد در مورد فیلم‌های سکسی، چنانکه دو سال قبل سانسور فیلم‌های سکسی نحوه دیگری داشت و در این زمینه سخت‌گیری بیشتری می‌شد، اما امروز این مسأله در اجتماع صورت دیگری دارد و حتی در مواردی عادی تلقی می‌شود. اما آنچه که تمام افراد با آن مخالفت می‌کنند، فیلم‌هایی است که بدآموزی‌هایی نظیر جنایت، قتل، گانگستری، دزدی و خشونت و اعتیاد را با خود همراه دارد. چرا که این فیلم‌ها در طبقه جوان و به‌ویژه جوان‌هایی که آمادگی اخلاقی و روحی ندارند بسیار مؤثر است. در مورد این که فیلم بعد از تغییر چگونه اجازه نمایش می‌گیرد، روش چنین است که فیلم مجدداً مورد بازدید شوری قرار می‌گیرد و در صورت تغییرات مناسب نمایش آن با لامانع اعلام می‌شود.

- این سانسور معمولاً بر چه اساسی است؟ و فیلم بعد از تغییر و یا تعویض بعضی از قسمت‌ها چگونه اجازه نمایش می‌گیرد؟

آذر احمدیه - من معتقدم سینما، مدرسه است. هر قدر تهیه‌کنندگان آن را تجارتی بدانند، ما آن را يك مکتب آموزشی می‌دانیم و يك فیلم

- به نظر شما این گونه فیلم‌ها، در طبقات مختلف اجتماع چگونه تأثیر می‌گذارد؟

می‌تواند تأثیر بیشتری از چندین کتاب در ذهن و روح انسان بگذارد . دیگر اینکه فیلم در طبقات مختلف ، اثرات متفاوت دارد و در این میان طبقه جوان و کم سواد تأثیر پذیر تر است ، و اتفاقاً بیشتر سینما رها از میان همین گروه‌ها هستند . چرا که طبقات مرفه و یا روشنفکر کمتر هر فیلمی را می‌بینند ، بلکه آنها جستجو و انتخاب می‌کنند . در حالی که طبقه کم سواد ، کم مطالعه و کم درآمد تنها سرگرمی‌اش سینما است چون با پول مختصری دو ساعت از وقت خود را بدینسان می‌گذرانند و در انتخاب فیلم نیز دقتی ندارند . هر فیلمی برای او مشغول کننده است ، همه چیز را آسان می‌پذیرد ، حقیقت می‌پندارد و بر او اثر غیر قابل انکار می‌گذارد .

بعضی از فیلم‌ها دارای صحنه‌ها و تصاویر زیان‌بخش و برخی دیگر دارای موضوع خطرناک و مضر هستند ، مانند فیلم‌هایی که سراسر اعمال جنائی ، قتل ، دزدی و بی‌اعتنائی به قوانین و مقررات ، و انتقام‌جویی را نشان می‌دهد و تمام این اعمال و حرکات يك نوع لذت در تماشاگر ایجاد می‌کند . فیلم‌هایی که زندگی جوانان را بابت بندوباری ، هرزگی ، ولگردی و نابسامانی نشان می‌دهد و هدف فیلمساز این است که بگوید ، زندگی جوانان امروزه چنین است و یا باید زندگی را بدینسان گذرانند ، کار و کوشش عبث و بی‌ثمر است و زندگی ارزش آن‌را ندارد که لحظات را با کار و کوشش و تلاش به هدر دهیم این نوع پیام‌ها که در این نوع فیلم‌ها به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به جوان و نوجوان تلقین می‌شود بسیار مضر و خطرناک است .

به‌رحال دیدن فیلم‌هایی از این نوع به‌ویژه اگر تکرار شود طبیعی است که در جوان شکل نگرفته اثر می‌گذارد و بزهرکاری‌های جوانان با این نوع فیلم‌ها بی‌ارتباط نیست . همین‌طور در مورد کودکان باید دانست که بسیاری از فیلم‌ها کودکان را در معرض احساسات و هیجانات و تحریکاتی قرار می‌دهد که کودک آمادگی و توانایی درک آن‌ها را ندارد ولی متأسفانه در اغلب سینماها ، کودکان را برای تماشای هر نوع فیلمی می‌پذیرند و نباید فراموش کرد که صحنه‌های سکسی و عشق‌بازی‌های کثیف و هرزگی‌ها ، اثر نامطلوبی بر روی کودک می‌گذارد .

کودکان اغلب در کنار پدر و مادر خود از این نوع فیلم‌ها دیدن می‌کنند ، در حالی که پدر و مادر خود معتقدند که دیدن این نوع فیلم‌ها برای کودکان زیان‌بخش است ، با این حال آن‌ها را به دنبال خود به سالن سینما می‌کشانند و کودک بدون هیچ‌گونه توضیح و بدون داشتن اطلاعات

درست ، شاهد و ناظر صحنه‌های مبتذل از عشق‌بازی‌ها و مسائل جنسی می‌گردد درحالی‌که این‌گونه هنوز فیزیولوژی اعضای بدن خود را خوب نمی‌شناسد .

- فکر می‌کنید در فیلم فارسی چه مسائل مهمی وجود دارد که به آنها مبتذل یا بدآموز گفته می‌شود و به نظر شما چگونه می‌توان آنها را از بین برد یا به نحوی تغییر داد که بدآموز و مبتذل نباشد؟

آذر احمدیه - در مورد فیلم فارسی ، متأسفانه نمی‌دانم فیلم فارسی چرا حد وسط ندارد یعنی یا در سطح خیلی پائین است و یا به اصطلاح فیلم هنری است که برای همه قابل درک نیست و هر قدر این فیلم‌ها در ابهام بیشتری باشد ، می‌گویند هنر بیشتری در آن وجود دارد . یا مسائلی را بازگو می‌کند که هر کس نمی‌تواند از آن سردرآورد و یا فلسفه خاصی را عنوان می‌کند که مسلماً طبقه خاصی آنرا درک می‌کنند .

فیلم‌های فارسی اکثراً و نسبت به سال‌های گذشته ، در مقایسه از نظر فیلم‌برداری ، یابازی‌گری خیلی بهتر شده است ، اما سوژه‌ها یکنواخت است ، هماهنگی در فیلم‌ها ، در صحنه‌ها و عوامل مختلف وجود ندارد و در فیلم به مسائل خیلی کوچکی توجه نمی‌شود . مسائلی که کوچک است اما می‌تواند فیلم‌را به ابتذال بکشاند .

اغلب سازندگان فیلم به تنها چیزی که توجه ندارند ، مردم است ، فیلم‌های پوچ و بی‌ارزش با سوژه‌های تکراری همراه با موسیقی و ترانه‌های مبتذل و صحنه‌های رقص مشمشرکننده ، که به وسیله رقصان بدقواره و ناموزون اجرا می‌شود ، قسمتی از اکثر فیلم‌های ما را تشکیل می‌دهد . نظر این دسته از سازندگان فیلم بر این است که مردم ما این نوع فیلم‌ها ، این رقص‌ها و این ترانه‌ها را می‌پسندند و چون خواهان آن هستند ، ما هم ذوق و سلیقه آنان را در نظر می‌گیریم . به نظر من این طرز فکر نادرست است . بر فرض محال ، اگر گروهی از هموطنان ما مبتذل پسندند این وظیفه فیلمساز است که آنان را از این ابتذال پسندی برهاند و با ارائه موسیقی خوب ، رقص ظریف و ترانه‌های مطلوب ذوق آنان را تلطیف کند . نه اینکه با تحمیل این رقص‌ها و موسیقی‌ها مردم را در یک حالت عقب ماندگی نگهدارد و تازه گناه را به گردن آنان بیاندازد . مادامی که بهتر از این به مردم ارائه ندهند آنها ، ناچارند که با همین بسازند و همیشه از نظر ذوق هنری در همین حد باقی بمانند .

فراموش نکنیم که این مردم کسانی هستند که اشعار حافظ را می‌خوانند و در قهوه‌خانه‌ها به نقل شاهنامه گوش می‌کنند . بنابراین چرا باید به آنان این موسیقی و این اشعار را ارائه کرد .

- ویژگی‌های خاصی که در سناریوهای فیلم‌های فارسی وجود دارد و آنها را از نظر داستان‌پردازی یا دیگر عوامل دچار ضعف می‌کند را چگونه می‌بینید؟

آذر احمدیه - سالها است که با فیلم فارسی آشنایی پیدا کرده‌ام و تقریباً می‌توانم بگویم، اکثر فیلم‌های بد و خوب فارسی را دیده‌ام. اغلب سوژه‌ها یکنواخت و آتقدر ابتدائی است که از همان آغاز فیلم می‌توان پایان آنرا پیش‌بینی کرد که چه خواهد بود و چه حوادثی پیش خواهد آمد. گرایش فیلمسازان به سوی سوژه‌هایی که از زندگی کلاه مخملی‌ها و چاقوکش‌ها و دارودسته آنان مایه می‌گیرد، سایر فیلمنامه‌ها و داستان‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. به این طریق زحمت ورنج سالها مبارزه با چاقوکشی را باید کم‌کم به هدر رفته دانست زیرا که وجود این نوع فیلم‌ها و نفوذش در میان افرادی که آمادگی برای این کار دارند سبب رواج آن خواهد شد. تعقیب‌های بی‌دلیل نضج خواهد گرفت و جنایات و آدم‌کشی‌های این گروه از نو احیاء می‌شود و سینما در حقیقت زنده‌کننده به اصطلاح این سنت است. (بعضی‌ها چاقوکشی را سنت می‌دانند) اگر چاقوکشی سنت هم باشد، بسیار سنت‌ها است که مپروندند و زندم کردنشان گاه بی‌ثمر و گاه زیان‌بخش است. وجود دارودسته در اغلب فیلم‌ها به سبک دارودسته آلکاپون و یا کتک‌کاری‌های بیش از حد و به طرز وحشیانه (که اتفاقاً در فیلم‌های فارسی این قسمت خیلی قشنگ و طبیعی اجرا می‌شود). خشونت‌های بیش از حد، ارائه‌ی سس به طرز کثیف، مشمژ کننده و اکثرأ بی‌موقع و ناموزون و بی‌پروا، از مشخصات اغلب فیلم‌هاست. البته فیلمسازان نیز معتقدند که از نظر سوژه محدودیت‌هایی وجود دارد و در تنگنا هستند. سناریوی خوب وجود ندارند و کمک‌های لازم نمی‌شود. مردم از فیلم خوب استقبال نمی‌کنند.

البته اگر باز هم مقصود از فیلم خوب، صرفاً هنری باشد این نظر درست است که مردم از آن استقبال نمی‌کنند، چون این نوع فیلم « برای فستیوال‌ها و طبقه خاصی تهیه می‌شود نه برای همه مردم. ما فیلم‌های فارسی داریم مثل «رگبار» که واقعاً فیلمی نمونه بود. اما متأسفانه اولین و آخرین فیلم نمونه بود. شاید سازندگان فیلم معتقد باشند که مروج و معلم اخلاق نیستند کار آنان يك کار صرفاً تجارتي است و به تأثیر خوب و بد آن کاری ندارند و فقط کشش مردم به سوی آن فیلم و تعداد شبهایی که فیلم روی اکران می‌ماند برایشان مطرح است. اما نباید فراموش کرد که هر تجارتي آزاد نیست. تجارتي که هستی و زندگی دیگران را تباہ

سازد مثل هر وئین و غیره نمی‌تواند مجاز باشد. آیا تصور می‌کنید زبان فیلم‌های بدآموز کمتر از تجارت هر وئین و کوکائین است؟

آذر احمدیه - فکر می‌کنم باز هم دلیل ساختن این نوع فیلم‌ها در تمام دنیا در واقع همان مسائل اقتصادی و جلب هر چه بیشتر مشتری است. چون می‌دانند بشر اصولاً نوجوست. و به خاطر همین، همیشه دنبال مسائل تازه‌تر و پرهیجان‌تر می‌روند تا طبع نوظلب تماشاگران خود را ارضاء کنند. کتک‌کاری‌های پیش‌با افتاده به کارهای خشونت‌آمیز و زد و خورد های خشونت‌آمیز به اعمال وحشیانه و اعمال وحشیانه دیگر با تجاوز و شکنجه و قتل و جنایت همراه شده است و به قول معروف مردم از این باغ بری می‌رسد. متأسفانه هر روز تعداد این نوع فیلم‌ها بیشتر می‌شود و به همین ترتیب فساد و تباهی نیز افزون می‌گردد.

به‌رحال پیشرفت تکنولوژی تلفات زیادی نیز همراه داشته و دارد و این اجتناب‌ناپذیر است، در سینما هم همینطور بوده و بدبختانه تلفاتی نیز به‌همراه داشته است.

- مسلماً به‌جز جنبه تجارتي که در ساختن این فیلم‌ها خیلی مهم است، عواملی دیگر نیز این وضع را به‌وجود می‌آورند. شما فکر می‌کنید جز تجارت چه عواملی فیلم‌سازان را به‌ساختن فیلم‌هایی نظیر آنچه گفته شد وادار می‌دارد؟

آذر احمدیه - جلوی نمایش این نوع فیلم‌ها گرفته می‌شود، و تا حد امکان این کار را می‌کنیم چه می‌دانیم که نمایش پیاپی این نوع فیلم‌ها چه عواقبی دارد.

باید به‌این نکته توجه داشت که دیدن يك فیلم خشن یا بدآموز تأثیر زیادی نمی‌گذارد، مگر آمادگی روحی و اخلاقی در این مورد وجود داشته باشد و در این صورت دیدن فیلم آنرا تشدید می‌کند و به‌این موقعیت روحی کمک می‌کند. چرا که تأثیر فیلم بستگی به موقعیت اجتماعی، وضع و تربیت خانوادگی و حالات روحی و اخلاقی فرد، بخصوص آمادگی قبلی او دارد و برداشت از هر فیلم به‌نسبت سن، میزان تحصیلات، روابط خانوادگی، سرخوردگی‌ها، نابسامانی‌هاست یا با این عوامل نسبت عکس دارد و صمیمیت در خانواده و وجود يك زندگی طبیعی و صمیمی در خانواده، در افراد متفاوت است.

- چرا از نمایش این گونه فیلم‌ها بکلی جلوگیری نمی‌شود؟

- چه خصوصیاتی در فیلمسازان فیلم‌های فارسی وجود دارد که سبب می‌شود، آنچه می‌سازند «بدآموز» و «مبتذل» خوانده شود و در مردم يك اجتماع نیز تأثیر منفی بگذارد؟

آذر احمدیه - در مورد فیلم فارسی، باید گفت که فیلمسازان ما اغلب اطلاعات کافی ندارند فیلم‌ساز باید مردم کشورش را به‌خوبی بشناسد، با فرهنگ و ادبیات آن آشنا باشد، محیط زیست (اعم از تاریخ و جغرافی) خود را بشناسد، به آداب و رسوم و سنت‌های گروه‌های مختلف اجتماعی که زندگی آنان را نشان می‌دهد مسلط باشد و آن را درک کند، متأسفانه در فیلم فارسی، مثلاً حوادث داستان فیلم در فارس می‌گذرد، اما رقص و آوازشان شمالی است. این دلیل بر عدم شناسایی و دانش کافی کارگردان است.

امروز مردم مقدار زیادی از معلومات و دانش خود را از سینما می‌گیرند، اما اگر سینمای ما نتواند فرهنگ و هنر و فولکلور ما را به‌طور کامل و درست آموزش دهد و بیشتر سبب گمراهی گردد، بهره ما از این سینما چه خواهد بود؟

اشکال فیلم فارسی این است که مثلاً کارگردان که پس از سالها از فرهنگ برگشته است، مردم هنر و فرهنگ این مملکت را درست نمی‌شناسد، درباره آنها فیلم می‌سازد. در نتیجه دختر روستائی معصوم را به ریخت و قیافه يك زن هرزه خیابانی می‌آراید و یا نوع زد و خورد ها و خشونت‌های فیلم‌های وسترن را در فیلم ایرانی مجسم می‌سازد.

فکر می‌کنم بعضی از فیلمسازان ما در اثر عدم شناسایی به‌وضع و روحیه مردم، درباره آنان اشتباه می‌کنند و فکر می‌کنند مردم بیش از این نمی‌فهمند و نمی‌خواهند.

به‌طور کلی مشکلات فیلم فارسی در چند چیز خلاصه می‌شود: فیلمسازان ما اغلب به کار خود تسلط ندارند، با فرهنگ ما آشنا نیستند. مردم را به هیچ حساب می‌کنند و فکر می‌کنند هر چه بسازند مردم دوست دارند و یا باید دوست داشته باشند و مبارزه‌های منفی مردم را نیز نمی‌بینند. فیلم‌های فارسی سوژه‌های یکنواخت دارد. يك طبقه مرفه و از خودراضی و طبقه غیر مرفه ولی انسان و باگذشت، که یکی مظهر شرافت و دیگری مظهر رذالت و پستی است.

بهترین این نوع فیلم‌ها، سبب کینه و دشمنی می‌شود و بین طبقات مردم جدایی می‌افکند. سینمای ایران وظیفه اجتماعی و رسالت تاریخی خود را فراموش کرده است.



- بادر نظر گرفتن آنچه در مورد  
فیلم فارسی و محتوای اغلب آنها گفته  
شد، فکر می‌کنید چه عواملی مردم را  
به دیدار این فیلم‌ها می‌کشاند؟

آذر احمدیه - برای مردم کم‌دردك سینما بهترین سرگرمی است  
چون با پرداخت مبلغ ناچیزی دو ساعت وقت خود را می‌گذرانند. برای  
جوانان و کودکانی که کمتر با کتاب و مطالعه سروکار دارند نیز سینما  
سرگرمی دلچسب و مطبوعی است. ولی کسانی که به دنبال فیلم‌های ارزنده  
سینمایی هستند. شاید در سال بیش از چند بار نتوانند به سینما بروند.  
مسئله دیگر عادت است که طبقه کم‌سواد ما به این نوع فیلم‌ها پیدا کرده‌اند  
و در واقع معتاد شده‌اند. باید اعتراف کرد که سینمای ما هیچگونه آموزش  
صحیح و بهتر چه از نظر اخلاقی، چه اجتماعی و چه هنری به مردم نداده  
است. گویا سینمای ایران وظیفه بزرگ اجتماعی خود را فراموش کرده  
است و به عنوان يك حاشیه‌نشین کار خود را انجام می‌دهد. مادامی که  
فیلم‌سازان ایرانی کوشی برای بهبود سینمای ایران نکنند و چنین  
فیلم‌های مبتذل و بی‌ارزشی را بخواهند روانه بازار کنند، شورای هنرهای  
نمایشی سرسختانه این فیلم‌های مبتذل را غیر قابل نمایش اعلام می‌کند، گو  
اینکه رد این فیلم‌ها سبب زیان و ورشکستگی صاحب فیلم می‌شود، ولی  
چه می‌توان کرد، تنهایی يك فرد که مهمتر از تنهایی يك نسل و پاملت نیست.

باید اعتراف کرد که در اثر همین سختگیری‌ها، دیگر هر کس با هر  
سناریویی دست به ساختن فیلم نمی‌زند، زیرا که سینماها هم این نوع  
فیلم‌های بی‌ارزش را به روی آکران نمی‌آورند. بنابراین طرد فیلم‌های  
مبتذل و جان‌نشین شدن فیلم‌های بهتر، سبب تغییر ذوق مردم می‌شود.  
به آنسان دانش کافی درباره مسائل گوناگون می‌دهد و هنر واقعی را  
می‌شناساند و مردم را با اخلاق و آداب و رسوم و سنت‌های هموطنان خود  
آشنایی می‌دهد.

در مورد فیلم‌های سکی که مشتریان دائم آن‌ها نوجوانان و اغلب  
کودکان هستند خطرات دیگری وجود دارد چرا که کودکان از این نظر  
آموزش درست ندیده‌اند، یعنی کودک ایرانی نه در مدرسه با این مسئله  
شناسایی پیدا می‌کند و نه در خانواده، پدر و مادر مسائل را برای او  
می‌شکافند و کودک نا آشنا با جسم خود، بدون هیچ آموزشی در این زمینه،  
در سالن سینما با سکی و مسائل مربوط به آن آشنا می‌شود. این کودک  
بدون دانش کافی و ضروری از فیلم و سینما، آموزش غلط می‌گیرد  
و ناراحتی‌هایی برای او ایجاد می‌شود باز هم کسی نیست تا این ناراحتی  
با او در میان گذاشته شود و در آنجا مشکل‌گشای کودک و نوجوان گردد.

فیلم‌های بی‌ارزش و مبتذل، متأسفانه اگران سینماهای شهرستان‌ها را اشغال کرده است، زیرا که در تهران با عدم استقبال عمومی روبرو می‌شود و در نتیجه به شهرستان‌ها روانه می‌گردد. در شهرستان‌های کوچک که به‌جز یک یا دو سینما، هیچ وسیله تفریح و سرگرمی وجود ندارد، اجباراً هجوم به این سینماها زیاد است. باید اعتراف کرد که این فیلم‌های بی‌ارزش در شهرستان‌ها سبب عقب‌ماندگی اخلاقی و اجتماعی مردم ما می‌شود و همیشه نه تنها ناهم‌آهنگی و ناسازگاری اخلاقی و تربیتی بین مردم شهرهای کوچک و بزرگ را حفظ می‌کند، بلکه روز به روز این فاصله را بیشتر می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی